

Islamic Law and Jurisprudence Studies
Volume 17, Consecutive Number 38, March 2025
Issn: 2717-0330

Pages 227-258 (Research Article)

Received: 2023, March 03 Revised 2023, September 18 Accepted: 2023, September 19

Journal Homepage: <https://feqh.semnan.ac.ir>

This is an Open Access paper licensed under the Creative Commons License CC-BY 4.0 license.



Jurisprudential-legal examination of the function of porn movies in sexual therapy; Relying on verses and hadiths

Mohammadreza. Rezvantab^{1*}- Hosein. Soltanifar² 

1: Associate Professor, Jurisprudence and Islamic Law, University of Tehran, Tehran, Iran.

(Corresponding Author): mrrezvan@ut.ac.ir

2: PhD Student, Jurisprudence and Islamic Law, University of Tehran, Tehran, Iran.

Abstract: One of the emerging sciences in contemporary times is the science of "Sexology", which deals with the treatment of people's sexual disorders. Among the therapeutic methods and solutions that some experts in this field recommend to solve sexual problems, strengthen marital skills and strengthen joint life, is watching pornographic images and movies. It is in this case that watching porn movies has a new aspect and is recognized as a therapeutic solution in sex therapy. Considering the necessity of research on the point of view of Shariah and the legislator in the field of watching pornographic films and treating sexual disorders with it - especially in cases where the treatment of sexual disorders is limited to watching these images and films - this essay tries to use an analytical method- Descriptive and by insisting on valid jurisprudential legal evidence and referring to verses and hadiths to infer the ruling of the said issue. As a result, relying on the taste of Sharia, it is not unlikely that we can - while emphasizing the sanctity of watching porn movies - prescribe watching the said movies as necessary, only in the assumption of emergency and exclusive treatment.

Keywords porn, verses and hadiths, jurisprudence and law.

- M. Rezvantab; H. Soltanifar (2025), "Jurisprudential-legal examination of the function of porn movies in sexual therapy; Relying on verses and hadiths", Semnan University: *Islamic Law and Jurisprudence Studies*, 17(38), 227-258.
[Doi: 10.22075/feqh.2023.30176.3551](https://doi.org/10.22075/feqh.2023.30176.3551)

فصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی

سال ۱۷ - شماره ۳۸ - بهار ۱۴۰۴

صفحات ۲۲۷-۲۵۸ (مقاله پژوهشی)

تاریخ: وصول ۱۴۰۱/۱۲/۱۲ - بازنگری ۱۴۰۲/۰۶/۲۷ - پذیرش ۱۴۰۳/۰۶/۲۸

بررسی فقهی حقوقی کارکرد افلام خلایعیه (پورنو) در درمان جنسی

محمدرضا رضوان طلب^۱ / حسین سلطانی فر^۲

mrrezvan@ut.ac.ir

۱: دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

۲: دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

چکیده: یکی از علوم نوپدید در زمان معاصر، علم «سکسولوژی» است که به درمان اختلال‌های جنسی افراد می‌پردازد. از جمله شیوه‌ها و راهکارهای درمانی که برخی از متخصصان این رشته برای حل نابسامانی‌های جنسی، تقویت مهارت‌های زناشویی و استحکام زندگی مشترک توصیه می‌کنند، تماشای تصاویر و فیلم‌های خلایعیه (پورنو) است. در این صورت است که تماشای فیلم‌های پورنو جنبه جدیدی پیدا کرده و به عنوان راهکاری درمانی در سکس‌تراپی به رسمیت شناخته می‌شود. با توجه به ضرورت پژوهش پیرامون دیدگاه شارع و قانونگذار در زمینه نگاه کردن به افلام خلایعیه و درمان اختلال‌های جنسی به وسیله آن - به‌ویژه در مواردی که درمان به تماشای این تصاویر و فیلم‌ها محدود باشد - این جستار تلاش می‌کند تا با روشی توصیفی - تحلیلی و با تمسک به ادله معتبر فقهی حقوقی و مراجعه به آیات و احادیث، حکم مسئله مذکور را استنباط نماید. نتیجه آن که با استناد به مذاق شریعت، بعید نیست بتوانیم - ضمن تأکید بر حرمت نگاه کردن به فیلم‌های پورنو - تنها در فرض اضطرار و انحصار درمان، تماشای فیلم‌های مذکور را در حد ضرورت تجویز نمائیم.

کلیدواژه: افلام خلایعیه، پورنو، آیات و احادیث، فقه و حقوق.

- رضوان طلب، محمدرضا؛ سلطانی فر، حسین (۱۴۰۴) «بررسی فقهی حقوقی کارکرد افلام خلایعیه (پورنو) در

درمان جنسی». دانشگاه سمنان: مطالعات فقه و حقوق اسلامی دانشگاه سمنان. ۱۷ (۳۸). ۲۲۷-۲۵۸.

[Doi: 10.22075/feqh.2023.30176.3551](https://doi.org/10.22075/feqh.2023.30176.3551)

بیان مسأله

یکی از عوارض آزادی های جنسی و ارتباطات آزاد زنان و مردان در جامعه، اختلالات جنسی در زندگی زناشویی است. این اختلال امروزه به یکی از نگرانی های مهم خانواده ها تبدیل شده و بر استحکام زندگی مشترک تأثیر گذارده است، به گونه ای که باعث شکل گیری تخصص رایجی به نام سکسولوژی شده است. مراجعین به این متخصصان از عدم توانایی خود برای انجام وظایف زناشویی در در زندگی مشترک شکایت دارند و پزشکان مربوط با بررسی علل این نارسایی در بعضی از موارد تقویت اشتهای جنسی را از طریق دیدن فیلم های پورنو توصیه می نمایند. اینجاست که عنوان درمانی جدیدی تولید می شود و فیلم ها را از انحصار در امور مبتذل خارج می نماید. لذا این سؤال مطرح می گردد که آیا وجود چنین عنوان مستحدث و امکان درمان اختلال جنسی از طریق عملی که در عرف جاری از ملاهی شمرده می شود، می تواند موجب تغییر حکم شود یا خیر؟! بررسی کارکرد درمانی فیلم های پورنو، با چشم پوشی از این جنبه است که نگاه کردن، به انجام محرماتی مانند استمناء منجر گردد یا چنین لوازمی را در پی نداشته باشد. با این حال، از منظر حقوق مسئولیت مدنی نیز طرح مسأله «اضطراب» می تواند وصف تقصیر را از فعل زیانبار بزدايد و اقدامی را که در وضعیت عادی نامشروع بوده، مشروع و مباح سازد.

با نگرش به این که موضوع این جستار در میان فقیهان پیشین مطرح نبوده و مسأله ای مستحدث به شمار می رود، برای دستیابی به اقوال فقهی در آن، باید فتاوی عالمان هم عصر مورد کاوش و دقت قرار گیرد:

- بسیاری از فقیهان، نفس نگاه کردن به افلام خُلاعیه را به شکل مطلق حرام می دانند، هر چند منجر به اثاره شهوت نگردد (گلپایگانی، ۱۴۱۳: ۱۲۴؛ بهجت، ۱۳۸۶: ۲۱۴/۴؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۷: ۱۵۴/۳).

- دسته دوم، نگاه کردن به افلام خلّاعیه را در صورتی حرام می دانند که نگاه کردن به آنها به قصد تحریک شهوت باشد یا منجر به برانگیخته شدن شهوت گردد (خامنه‌ای، ۱۴۲۰: ۱۸/۲؛ انصاری، ۱۴۱۵: ۲۴۳/۹).

- برخی دیگر از فقیهان معتقدند اگر تصاویر موجود در افلام خلّاعیه، از بازیگران و افرادی باشد که برای بیننده ناشناس است و این نگاه کردن، منجر به ارتکاب امر حرامی نگردد دلیلی برای حرمت وجود ندارد؛ مخصوصاً برای زن و شوهری که دچار ضعف جنسی هستند و می‌توانند از طریق دیدن این فیلم‌ها ناتوانی جنسی خود را معالجه کنند (منتظری نجف آبادی، ۱۳۸۴: ۳۴۸/۲).

ناگفته نماند اگرچه مشهور فقیهان، جواز نگاه کردن را به وجه و کفین زن مسلمان و آن چه عرفاً توسط زنان غیرمسلمان پوشانده نمی‌شود - آن هم به شرط عدم قصد لذّت و ترتّب مفسده - محدود کرده‌اند، لیکن باید توجه داشت که دیدن فیلم‌ها و عکس‌ها، مشمول چنین احکامی نیست؛ - چنان که خواهد آمد - ادله نقلی حرمت نگاه از تعمیم به فیلم و تصویر ناتوان است؛ خواه دلیل آن، انصراف ادله از فیلم و عکس‌های متحرک باشد و خواه تباین ملاکات. پاره‌ای از عالمان به درستی به این دوگانگی تصریح کرده و بر این باورند که نظر به فیلم، در حکم نظر به اُجْنِبَه نیست (خمینی، ۱۳۹۲: ۴۵۸/۸). با این همه، به نظر می‌رسد باید فیلم‌های دارای پخش زنده را به نگاه مستقیم و احکام آن ملحق نمود (تبریزی، ۱۳۹۱: ۱۳۰/۵)؛ از این جهت که عرف این الحاق را می‌پذیرد و جدایی میان آن دو را برنمی‌تابد. بر این پایه که فیلم‌های بدون پخش زنده در حکم نگاه مستقیم نیستند، برخی از فقیهان آشکارا فتوا داده‌اند که نگاه کردن به زنان برهنه و نیمه برهنه در فیلم‌های سینمایی و غیر آن جایز است، به شرط آن که از روی شهوت و ریه نباشد و مفسده‌ای هم مترتب نگردد (خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ۲۵۶) و برخی دیگر نگاه کردن به فیلم‌های نشان دهنده تمام اعضای بدن را با وجود دو شرط یاد شده جایز شمرده و تنها نگاه به عورتین را استثنا کرده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۸: ۲۸)؛ از اینرو،

باز کاوی حکم نگاه کردن به افلام خلاعی و کارکرد آن در درمان جنسی، ملازمه ای با احکام فقهی ارائه شده در خصوص نگاه مستقیم ندارد.

انجام پژوهش پیرامون «فیلم های پورنو و کارکرد آن در درمان جنسی» از سه جهت دارای ضرورت است: اول: نگاه کردن به فیلم های خلاعی از مسائل مستحدثی است که برای جوامع امروزی و خصوصاً نسل جوان تر مبتلی به است و همواره شدت ابتلای آن رو به فزونی است، به طوری که ساخت این فیلم ها را به یکی از درآمدزاترین صنعت های نوین تبدیل کرده است؛ بنابراین بررسی حکم آن از منظر شریعت اسلام بسیار ضروری می نماید. دوم: نگاه کردن به فیلم های پورنو یکی از راه های متداولی است که شماری از روان شناسان و درمان گران برای درمان اختلالات جنسی و حتی یادگیری مهارت های زناشویی به مراجعان خود توصیه می کنند، لذا با بیان حکم فقهی مسأله، جواز یا عدم جواز توصیه درمان گران به دیدن این فیلم ها نیز روشن خواهد شد. سوم: در هیچ یک از پژوهش های انجام شده تاکنون، به موضوع «بررسی فقهی - حقوقی کارکرد افلام خلاعیه (پورنو) در درمان جنسی» پرداخته نشده است و با توجه به اهمیت فراوان آن، لازم است در مقاله مستقلی مورد بررسی قرار گیرد.

برخی از مبانی حقوقی و فقهی همانند «اضطرار»، «آیات»، «روایات» و «مذاق شریعت» از جمله ادله و مستندات هستند که می توانند برای به نتیجه رسیدن این پژوهش مفید واقع شوند. این پژوهش تلاش می کند تا به شکل تحلیلی به بررسی مستندات این مسأله پردازد و در نهایت، به نتیجه مناسبی در مسأله کارکرد فیلم های پورنو در درمان جنسی دست یابد.

از جمله پژوهش هایی که به مسأله نگاه کردن به فیلم های پورنو ارتباط می یابد و در حوزه علم پزشکی یا روان شناسی مطرح است می توان به پژوهش های «پیامدهای پورنوگرافی» از فاطمه آذرکیش، رکسانا جان قربان، تهمنه صالحیان و مهناز دیده ور، «مروری بر درمان های روان شناختی اختلالات جنسی» از علی اصغر فرخزادیان،

عبدالوهاب سیمین و احمد سعادت طلب، «پورنوگرافی؛ لذت ممنوعه» از کامیار سنایی، «بررسی جامعه شناختی اثر تماشای فیلم پورنو (محرک جنسی) در مردان متأهل بر سبک زندگی زناشویی» از عیسی چراتی و نوروز نیمروزی ناوخی و «ارزیابی نقش رسانه های پورنوگرافی در جهت دهی سبک زندگی جنسی» از شیوا ایزدی و نازنین هنرپروران اشاره کرد. تمامی پژوهش های یاد شده به مسأله پورنوگرافی از منظر علم پزشکی یا روان شناسی - و نه فقهی - پرداخته اند که خارج از محدوده این جستار است.

همچنین تمامی پژوهش ها و مقالات فقهی مشابهی که تاکنون نگاشته شده، در خصوص موضوعات بسیطی نظیر احکام فقهی نگاه کردن به شکل مطلق و مواردی همسان بوده است که ارتباط مستقیمی با موضوع این جستار ندارند؛ از این دسته می توان به مقاله «نگاه مجاز و غیرمجاز از دیدگاه اسلام» از سجاد امیدی، مقاله «بررسی فقهی نگاه به نامحرم به قصد ازدواج و حکمت آن» از طاهر علی محمدی و سعیده رضایی، پایان نامه «احکام نگاه در فقه امامیه با توجه به موضوعات جدید» از صدیقه گودرزی و سایر پژوهش های صورت گرفته اشاره کرد. بر این اساس، می توان چنین گفت که تاکنون در هیچ یک از پژوهش های انجام شده، به مسأله «بررسی فقهی حقوقی کارکرد افلام خلاقیه (پورنو) در درمان جنسی» پرداخته نشده است و بدین سبب، انجام این پژوهش ضروری به نظر می رسد.

۱- حکم اولی نگاه کردن به افلام خلاقیه

برای کاویدن حکم نگاه کردن به افلام و تصاویر خلاقیه، می توان به سه دلیل: «آیه»، «روایات» و «مذاق شریعت» تمسک جست که از دلایل اساسی و عمده در مسأله هستند:

دلیل اول: آیه شریفه

اولین دلیل، این آیه شریفه است: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَ يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ وَ قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ

وَّيَحْفَظُنْ فُرُوجَهُنَّ...» (نور: ۳۰ و ۳۱). در جایگاه برداشت از آیه، دو تقریب قابل ارائه است:

الف: تقریب اول

مقصود از عبارت «يَغْضُوا مِنْ ابْصَارِهِمْ» در آیه شریفه، ترک نگاه کردن است (فاضل مقداد، ۱۳۷۳: ۲/۲۲۰)؛ بر این اساس، شارع مقدس با امر به «غَضِّ بَصَرٍ»، حرمت نگاه را به عنوان یکی از محرمات شرعی به مکلفان اعلام می کند. اگرچه این امر مطلق است، اما به قرینه تناسب حکم و موضوع (خمینی، ۱۴۱۰: ۱/۲۲۶) و عباراتی همچون «يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ» و «يَحْفَظُنْ فُرُوجَهُنَّ»، ترک هر نگاه کردنی اراده نشده، بلکه فقط نگاه کردن در شئون جنسی مورد نهی شارع قرار گرفته است. سرانجام، حکم شرعی مستفاد از نص آیه به واسطه اطلاق و عدم القید (صدر، ۱۴۱۷: ۳/۴۱۴ و ر.ک: باقری اصل، ۱۴۰۲: ۳) توسعه می یابد و برابر با فهم عرفی از اطلاق آن، حرمت شرعی نظر، اختصاصی به نگاه مستقیم به نامحرم ندارد بلکه تصاویر و فیلم های خلاعی، مشمول این حکم خواهند بود. اینچنین، حرمت یاد شده نسبت به قید نگاه شهوانی و همراه با التذاذ، اطلاق دارد.

نقد و بررسی

هر یک از دو اطلاق به کاررفته برای اثبات شمول حکم نسبت به نگاه غیرمستقیم و نگاه غیر التذاذی، مخدوش است؛ زیرا مقدمات حکمت که موجب و محقق اطلاق است، در آیه شریفه تام نیست؛ از مهم ترین این مقدمات، آن است که متکلم در مقام بیان تمام مراد خود باشد و قصد اهمال، اجمال گویی و هزل نداشته و غافل نیز نباشد (نائینی، ۱۳۷۶: ۱/۱۵۵؛ محمدی، ۱۳۸۷: ۱/۳۶۲). با کاوش در آیات الاحکام قرآن کریم می توان دریافت که شارع تعال به دنبال بیان جزئیات و تفصیل احکام نیست و در عموم آیاتی که متضمن معنایی در حوزه احکام شرعی هستند احراز در مقام بیان بودن شارع، امکان ندارد. در غالب آیات، شارع تنها در جایگاه بیان اصل تشریع و قانونگذاری است

و توضیح چگونگی احکام به معصومین (ع) سپرده شده است. با وجود این، چگونه می‌توان از اطلاق آیه برای حکم نگاه به فیلم‌های پورنو استفاده کرد؟!

ب: تقریب دوم

اگرچه حرمت نگاه در شئون جنسی که از «غض» و «لام امر» مقدر (اردبیلی، بی‌تا: ۵۴۱) برآمده، اطلاق لفظی نداشته و مفاد آیه به نگاه مستقیم منحصر است، اما نتیجه اطلاق از راه «ملازمه در ملاکات» قابل دستیابی است؛ با این بیان که حرمت نگاه کردن به زنان مسلمان دارای دو ملاک است:

ملاک اول، احترام به زنان مسلمان است. در دین اسلام مسلمانان که حق را پذیرفته‌اند دارای احترام ویژه‌ای هستند و به همین جهت، نگاه کردن به تصویر زن برهنه مسلمانی که مکلف او را می‌شناسد یا حتی اگر نمی‌شناسد حرام است (روحانی، ۱۳۸۳: ۳۱۷/۱)، اما افرادی که اسلام را نپذیرفته‌اند از این احترام برخوردار نیستند چنان که در موثقه سکونی راجع به زنان کافر از امام صادق (ع) نقل شده است: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَا حُرْمَةَ لِنِسَاءِ أَهْلِ الذِّمَّةِ أَنْ يُنْظَرَ إِلَيْ شُعُورِهِنَّ وَ أَيْدِيَهُنَّ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۲۴/۵) بنابراین، ملاک هتک احترام که در حرمت نگاه به زنان مسلمان وجود دارد، در زنان غیرمسلمان منتفی است.

دومین ملاک، تلذذ جنسی است. در روایتی از امام رضا (ع) آمده است: «و نگاه به موی زنان حرام شد ... به دلیل این که باعث تهییج مردان می‌شود و تهییج نیز باعث فساد و ورود به غیر حلال و غیر شایسته می‌شود، و همین طور است چیزهای دیگری غیر از مو ...» (شیخ صدوق، ۱۳۸۵: ۵۶۵/۲). این روایت بی‌پرده از آن حکایت دارد که ملاک حرمت نگاه در آیه شریفه، تهییج جنسی مردان است و از آنجایی که علت به موارد مشابه تعمیم داده می‌شود (خوئی، ۱۴۱۸: ۲۱۶/۶) نگاه کردن به زنان غیرمسلمان که مقرون با لذت یا قصد آن باشد نیز مشمول این حکم خواهد بود و نیز به موجب ایجاد ملازمه در ملاکات (ر.ک: روحانی، ۱۴۱۳: ۳۸۳/۲) در حرمت نگاه التذادی، فرقی میان

نگاه مستقیم و غیر مستقیم (فیلم های پورنو) نیست. برآیند این دیدگاه آن است که نگاه کردن به فیلم ها و تصاویر خلاعی تنها در صورتی حرام خواهد بود که همراه با التذاذ جنسی یا قصد آن باشد.

نقد و بررسی

اشاره روایات به ملاک التذاذ در حرمت نگاه، نشانه علت بودن آن ملاک نیست، بلکه چه بسا از قبیل حکمت یا علت ناقصه باشد (طباطبائی قمی، ۱۳۸۱: ۹/۳) و همچنین ممکن است نگاه مستقیم دارای ویژگی خاصی در مرتبه ملاک باشد که نگاه غیر مستقیم فاقد آن باشد (مظفر، ۱۴۳۰: ۱۹۲/۳)؛ ویژگی ای همچون احتمال بیشتر برای وقوع مفسده زنا و ارتباط نامشروع در پی نگاه کردن شهوی به نامحرم. روی هم رفته، دستیابی به ملاک های احکام، امر دشوار و غالباً غیر میسوری است؛ با این حال، در صورتی که احراز شود ملاک علی حکم نگاه مستقیم، التذاذ و تهییج جنسی است مسأله از قبیل قیاس منصوص العله (صنقور، ۱۴۲۸: ۴۱۰/۲) خواهد بود که تعمیم آن به نگاه غیر مستقیم و تماشای فیلم بدون اشکال است.

پیرامون این مسأله که عنوان «التذاذ جنسی» علت حرمت نگاه باشد، در میان فقیهان اختلاف نظرهایی به چشم می خورد. شماری از فقیهان، حکم حرمت را بر قصد لذت مترتب کرده اند (محقق حلّی، ۱۴۰۸: ۲۱۳/۲؛ شیخ طوسی، ۱۴۰۰: ۴۸۴) و برخی دیگر از فقیهان، اقتران فعل به لذت جنسی را موضوع حرمت تکلیفی دانسته اند، هر چند قصد لذت وجود نداشته باشد (علامه حلّی، بی تا: ۵۷۳). شیخ انصاری معتقد است نگاه مقترن با لذت حرام نیست و تنها باید از نگاه کردن به قصد لذت پرهیز کرد؛ چراکه در غیر این صورت، باید نگاه به زیارویان که غالباً موجب لذت می شود استثناء می شد، در حالی که اینگونه نیست (شیخ انصاری، ۱۴۱۵: ۵۳). ایراد کلام شیخ انصاری آن است که ظاهر ارتکاز متشرعه، حرمت نگاه همراه با تلذذ است (ر.ک: حکیم، ۱۳۷۴: ۳۰/۱۴) چنان که این مضمون از برخی روایات، مستفاد است (صدوق، ۱۴۱۳: ۴۶۹/۳).

دلیل دوم: روایات

روایت اول: «عَنْ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَقْبَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ النَّظْرَةُ سَهْمٌ مِنْ سِهَامِ إِبْلِيسَ مَسْمُومٌ وَكَمْ مِنْ نَظْرَةٍ أَوْرَثَتْ حَسْرَةً طَوِيلَةً» (کلینی، ۱۴۰۷: ۵/۵۵۹). این روایت در وهله اول با ضعف سندى مواجه است، زیرا علی بن عقبه، موثق است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۷۱)، وی این حدیث را از پدرش عقبه بن خالد نقل می‌کند که پدرش توثیق واضحی ندارد (برای نمونه ر.ک: شیخ طوسی، ۱۳۷۳: ۲۶۱؛ نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۹۹)، هرچند وی از رجال با واسطه کتاب «کامل الزیارات» محسوب می‌شود (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۲۶). با چشم پوشی از ضعف سندى، این روایت با سه دریافت فقهی ناهمگون روبروست:

دریافت اول: مشهور فقیهان برای اثبات حرمت نگاه به نامحرم (بجز موارد استثناء شده) به روایت فوق استناد کرده‌اند، بی آن که این حکم مقید به قصد لذت‌جویی، ترتب فساد و موارد همانند باشد (برای نمونه ر.ک: بحرانی، ۱۳۶۳: ۲۳/۵۲؛ منتظری نجف آبادی، ۱۴۱۵: ۲/۵۲۸). در این روایت، نگاه به نامحرم به مثابه تیر مسموم ابلیس دانسته شده و تشبیه، یکی از موجبات عرفی برای بیان حرمت است. اگرچه این دسته از عالمان، از تعلیل ذیل روایت و موجّه سازی آن غفلت ورزیده‌اند، ولی صدر روایت و فقدان قید در واژه «النظره» با این برداشت سازگار است و همین نیز سبب گسترش حکم به فیلم‌ها و تصاویر امروزی خواهد بود.

دریافت دوم: این روایت بر حرمت نگاه کردن به شکل مطلق دلالت ندارد، بلکه تعبیر «سهم من سهام ابلیس» تنها ناظر به فرضی است که نگاه کردن همراه با ریه و ترس از وقوع در حرام باشد. اگر فردی که به نامحرم نگاه می‌کند، این ترس را داشته باشد که در پی این نگاه به زنا دچار شود، مشمول روایت خواهد بود. مؤید دریافت دوم، تشبیه نگاه همراه با ریه به تیر است؛ وجه شباهت آن است که همانگونه که هم احتمال اصابت به هدف و هم احتمال به خطا رفتن تیر وجود دارد همان طور نیز امکان دارد

مکلف نتواند خود را کنترل کند و پس از نگاه، مرتکب زنا شود، همچنان که ممکن است کف نفس کرده و خود را از ارتکاب محرمات نجات دهد. اگر نگاه کردن مکلف بدون ریه باشد، تشبیه آن به تیر صحیح نیست؛ زیرا در این صورت، تیری خواهد بود که هیچگاه به هدف اصابت نمی کند (خوئی، ۱۴۱۸: ۴۹/۳۲).

پذیرش این برداشت و ثبوت اطلاق در مودّای روایت، به شمولیت آن نسبت به نگاه کردن تصاویر و افلام خلاعی منتهی می شود؛ نگاه کردن به این تصاویر و فیلم ها تنها در صورتی حرام است که فرد نگاه کننده خوف وقوع در حرام (همچون زنا و استمناء) داشته باشد، بنابراین اگر نگاه کردن به افلام خلاعیه مقرون به چنین خوفی نباشد، مشمول روایت مذکور نخواهد شد؛ مانند آن که شخص متأهلی به این فیلم ها نگاه کند تا شهوت بر حلال پیدا کرده و بتواند با همسر خویش مجامعت کند یا آن که مکلفی مطمئن باشد می تواند خود را کنترل کند و با دیدن فیلم های پورنو به گناه نمی افتد.

دریافت سوم (دیدگاه برگزیده): اساساً این روایت از حکم تکلیفی

حکایت نمی کند، چه آن که هیچ یک از عبارات ذکر شده مانند «سهم من سهام ابلیس مسموم» ظهور روشنی در حرمت ندارد، هرچند اشعار آن قابل تردید نیست. امعان نظر در صدر و ذیل روایت، نشان می دهد که امام (ع) در جایگاه اعلام یک هشدار است و تشبیه نگاه به «سهم» و نه «سهم مصاب»، ارشادی بودن آن را استحکام می بخشد. این نگاه کردن، مؤمنان را در معرض خطرات و تباهی های بزرگی قرار می دهد؛ تبعاتی که ممکن است باعث لغزیدن آنها شود و آنها را به محرماتی همچون زنا گرفتار کند، همچنان که تیر پرتاب شده شاید به هدف اصابت کند. عبارت «إِنَّ أَبْصَارَ هَذِهِ الْفُجُولِ طَوَامِحُ، وَإِنَّ ذَلِكَ سَبَبُ هَبَابِهَا» (شریف الرضی، ۱۴۱۴: ۵۵۰) در برخی از روایات مشابه، از همین معنا حکایت می کند و نگاه را سبب هیجان و تحریک قلمداد کرده است. ناگفته پیداست خطرات احتمالی ای که می تواند در پی نگاه کردن دامنگیر مکلفان شود، به انجام محرمات محدود نیست و شامل دلبستگی و عشق به نامحرم هم می شود، چنان

که در روایتی از امام صادق (ع)، این عشق، نشأت گرفته از فقدان یاد خدا در قلب شمرده شده است (صدوق، ۱۳۷۶: ۶۶۸) و گسترده‌گی ذیل روایت: «كَمْ مِنْ نَظَرَةٍ أَوْرَثَتْ حَسْرَةً طَوِيلَةً» بر این توسعه معنایی قابل تطبیق است.

استظهار پاره‌ای از فقیهان از عدم ثبوت حرمت در مؤدای روایت، پشتیبان دریافت سوم است، چه این که گفته‌اند: «چنان که واضح است روایتی که می‌گوید نگاه، تیری از تیرهای شیطان است ... هیچ دلالتی بر تحریم ندارد» (ایروانی، ۱۳۸۵: ۳۰۷/۲؛ نیز ر.ک: فاضل موحدی لنکرانی، ۱۴۲۹: ۴۲/۲). از آنجایی که عبارت «فلا دلاله له علی التحريم» به سبک نکره در سیاق نفی و مفید عموم است هر دو دریافت اول و دوم را نامقبول می‌نمایاند و نیز بر فرض ثبوت حرمت، احتمال دارد به نگاه کردن مستقیم انصراف داشته باشد (ر.ک: حائری یزدی، ۱۴۱۸: ۲۳۴) و شامل دیدن عکس‌ها و فیلم‌های پورنو - بدون پخش زنده - نباشد؛ زیرا هر چند در عصر تشریع، تصاویر و فیلم‌های خلایعی وجود نداشته و عرف آن زمان تصویری در اینباره نداشته است اما اگر فرضاً در جریان چنین امری قرار می‌گرفتند و می‌توانستند آن را تصور کنند، چه بسا این روایت و روایات مشابه را شامل آن نمی‌دانستند.

روایت دوم: «مَا مِنْ أَحَدٍ إِلَّا وَهُوَ يُصِيبُ حَظًّا مِنَ الزَّنى، فَزِنَى الْعَيْنَيْنِ النَّظْرُ، وَزِنَى الْقَمِ الْقُبْلَةُ، وَزِنَى الْيَدَيْنِ اللَّمْسُ صَدَقَ الْفَرْجُ ذَلِكَ أَمْ كَذَّبَ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۵۹/۵). مفاد این روایت، به قرینه وفاق کلمه «النظر» با «زنی العینین»، در نگاه کردن به نامحرم و در شئون جنسی ظاهر است. نظر به این که زنا با جنس مخالف حرام بوده و در اخبار فراوانی به آن اشاره شده است (برای نمونه ر.ک: صدوق، ۱۴۱۳: ۲۰/۴) و از سوی دیگر، روایت فوق نگاه به نامحرم را زناى عین تلقی کرده است، حکم حرمت برای نگاه کردن نیز ثابت خواهد بود. علاوه بر این، محتوای روایت به سبب اطلاق در اقسام و قیود نگاه یا به سبب بیان ملاک زناى چشم، شایسته گسترش به عکس‌ها و فیلم‌های خلایعی است. بر این اساس، نگاه کردن به فیلم‌های پورنو حرام و زناى چشم است.

نقد و بررسی

حرمت مؤدای روایت، نسبت به صرف نگاه کردن ساکت است و موضوع آن، محدود به فرضی خواهد بود که دیدن این فیلم ها همراه با لذت و شهوت باشد. برخی از فقهای متأخر معتقدند که شارع در این روایت، در مفهوم زنا توسعه داده و نگاه کردن را به منزله زنا دانسته است؛ زنا حقیقی با آلت مخصوص انجام می شود و زنا تنزلی با لمس، دهان و چشم. هنگامی که شارع زنا تنزلی را نازل منزله زنا حقیقی قرار می دهد به ناچار باید وجه جامعی میان آن دو باشد تا تنزیل صحیح باشد و این وجه جامع، همان لذت و شهوت است که موجب صدق مفهوم «زنا عین» می شود (خوئی، ۱۴۱۸: ۷۶/۱۲).

شماری از قرائن، استنباط حرمت از روایت یاد شده را سست جلوه می دهند؛ از آن میان می توان به اعم بودن توسعه مفهومی از توسعه حکمی اشاره کرد. بسط مفهوم زنا و صدق آن بر نگاه کردن، به خودی خود سبب نمی شود که زنا تنزلی، بسان زنا حقیقی حرام باشد بلکه این همانند سازی، از شدت مبغوضیت مشبه حکایت می کند، به ویژه آن که گزاره «يُصِيبُ حَظًّا مِنَ الزَّنى»، تنها حصه و بهره ای از زنا حقیقی را برای نگاه ثابت می داند؛ لیکن با این همه، بعید نیست برای صیانت کلام امام (ع) از ناکارآمدی و بیهوده نبودن توسعه مفهومی محض، ثبوت حکم منزل علیه برای منزل را بپذیریم.

دلیل سوم: مذاق شریعت

دلیل سوم مذاق شریعت است؛ با عنایت و توجه درخور به ذوق شارع در جایگاه جعل احکام، دیدگاه او درباره دیدن عکس ها و فیلم های خلاعی روشن می شود. در صورت پذیرش این دلیل، چنان چه حتی اگر آیات و روایات مربوطه با نارسایی های دلالی یا سندی روبرو باشند مذاق شریعت طریقی است که فقیه را در استنباط حکم یاری می رساند. ضروری است پیش از پرداختن به چگونگی استدلال و بازنمایی آن، به اختصار چیستی و حجیت «مذاق شریعت» بررسی شود.

الف: چیستی مذاق شریعت

اولین فقیه‌ی که عنوان «مذاق» شریعت را به شکل توسعه یافته تعریف می‌کند صاحب جواهر است؛ وی مذاق شرع را معرفتی می‌داند که رزق خداوندی است (نجفی، بی‌تا: ۱۹۵/۳۰) و این معرفت با ممارست در ادله شرعی حاصل می‌شود؛ زیرا با تمرین و ورزیدگی فراوان در منابع و ادله شرعی می‌توان روش، سبک و آهنگ شارع در قانونگذاری را کشف کرد و فقیه با این آگاهی، قدرت درک احکام شرعی را درون خود می‌یابد و می‌تواند آن را در فرایند اجتهاد به کار گیرد. در مرحله اثبات نیز دستیابی به ذوق شارع، از اسباب و علل مختلفی حاصل می‌شود؛ اسبابی نظیر: نگرش در مجموعه احکام در قاموس فقهی (خوئی، ۱۴۱۰: ۲۲۶/۱) و لحاظ آثاری که از عدم ثبوت یک حکم مترتب می‌گردند (نجفی، بی‌تا: ۱۹۶/۱۵).

ب: حجیت مذاق شریعت

شناسایی مذاق شریعت اگر فقیه را به قطع و یقین برساند، از آن جهت که متعلق قطع قرار گرفته دارای حجیت ذاتی خواهد بود (شیخ انصاری، ۱۴۱۶: ۴/۱) و اینچنین، اطمینان عرفی به یقین فلسفی الحاق می‌شود (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۵: ۱۶۲/۱) اما اگر درک فقیه از مذاق، در مرحله ظن باقی بماند دیگر حجیت ذاتی نداشته و مشمول اصل عدم حجیت ظنون خواهد بود که اصلی برگرفته از نصوص است (یونس: ۳۶؛ نراقی، ۱۳۷۵: ۳۵۵)؛ بنابراین برای اثبات حجیت مذاق شریعت به عنوان یک ظن خاص، باید دلایل مستقلی را جستجو کرد تا آن را از اصل عدم حجیت خارج کند؛ دلایلی همانند: تعمیم ملاک حجیت خبر واحد به مذاق شریعت، که باید در محل مناسب خود مورد کاوش و سنجش قرار گیرد.

ج: مدلول مذاق شریعت در مسأله

حکم نگاه کردن به تصاویر و فیلم‌های پورنو از طریق موشکافی در مذاق شریعت قابل‌نویابی است و آن حکم، حرمت است. شناسایی این ذوق شارع می‌تواند از مجموعه

احکام شرعی در چگونگی ارتباط با جنس مخالف، احکام نگاه، لمس، پوشش و کف نفس به دست آمده باشد (ر.ک: نوری، ۱۴۰۸: ۲۷۳/۱۴) چنان که ممکن است با در نظر گرفتن آثاری که از حکم به حلیت و عدم حرمت مترتب می شود، حاصل شده باشد. انتشار و نگاه کردن به افلام خلاقیه، باعث شکل گیری مفاسد نوعی بسیار (نائینی، ۱۳۷۶: ۵۸/۳) و سبب انحرافات اخلاقی در قشرهای مختلف جامعه خواهد شد که همین، راضی نبودن شارع به انجام عمل یادشده را به همراه دارد.

نقد و بررسی

کم نقص ترین دلیل برای شناسایی حکم مسأله، مذاق شریعت است. مفاسد نوعی مترتب بر انتشار و دیدن تصاویر و فیلم های پورنو به عنوان ملاک حکم در مرتبه اقتضاء، سبب جعل حکم حرمت می شود (روحانی، ۱۴۱۳: ۹۳/۴)؛ به این شرط که معتقد باشیم احکام، تابع مصالح و مفاسد موجود در مرحله ملاک است (دربندی، بی تا: ۷/۲). از آنجایی که مستند حرمت، مفاسد نوعی است، حکم نگاه کردن که مقرون به التذاذ جنسی یا قصد آن باشد و نگاه کردن که بدون شهوت و صرفاً از روی عادت یا اغراض و دواعی دیگر باشد همسان خواهد بود؛ چه آن که در تمام این حالات، ملاک حرمت وجود دارد و در صورت نپذیرفتن این شالوده، حداقل در فرضی که نگاه مقرون به لذت جنسی باشد احتمال ثبوت حکم تقویت می شود. بر این پایه، نگاه کردن به افلام خلاقیه حرام است و یا دستکم بایستی در این زمینه احتیاط کرد (ضیائی فر، ۱۴۰۱: ۴). حجّت بودن فهم این مذاق، برگرفته از حجّت اطمینانی فقیه است (تهرانی نجفی، ۱۳۲۰: ۲۱۵/۱).

۲- حکم ثانوی نگاه کردن به افلام خلاقیه (رویکرد درمانی)

امروزه بایستی تماشا کردن فیلم های پورنو را به عنوان روش و راهکاری درمانی در علم سکسولوژی شناسایی کرد که از سوی شمار بسیاری از متخصصان و درمانگران، برای چاره جویی از اختلال های جنسی افراد پیشنهاد می شود. یافتن پاسخ به این سؤال

که دیدگاه شارع نسبت به اینچنین درمانی چیست، از جایگاه بسزا و برجسته‌ای برخوردار است. لازم به ذکر است که برخی از مشاوران و سکسولوژیست‌ها، برای مشکلات و نابلدی‌های جنسی زوجین، مراجعه‌کنندگان را به تماشای فیلم‌های پورنو ترغیب می‌کنند تا بتوانند از آن، سبک رابطه زناشویی با همسرشان را الگوبرداری کنند و حتی تمایل جنسی خود را افزایش دهند، اما ناگفته پیداست که روند یادشده برای بالابردن سازگاری زناشویی، موضوعاً از مسئله درمان خارج است و مشمول حکم ثانوی نخواهد شد. بر این اساس، توصیه روانشناسان به تماشا کردن این فیلم‌ها شرعاً جایز نیست و نقشی که در استوارسازی مهارت‌های زناشویی ایفا می‌کند، سبب دگرگونی حکم و مباح شدن آن نمی‌گردد.

۲-۱- اقوال موجود در مسئله درمان با محرّمات

از منظر حقوقی، وضعیت قانونی پورنوگرافی از کشوری به کشور دیگر و بنا به نگاه فرهنگی هر جامعه و قوانین برآمده از آن، متفاوت است. اغلب کشورها حداقل یک نوع از انواع پورنوگرافی را قانونی به شمار می‌آورند. در برخی از کشورها فروش و نمایش فیلم‌های پورنوگرافی (نرم) سافت کور^۱ منع قانونی ندارد، در حالی که هارد کور^۲ تحت کنترل و نظارت است. همچنین، در بسیاری از کشورها برای دسترسی افراد زیر سن قانونی به مواد هارد کور، مغازه‌های سکس و سفارش پستی اقلام پورنوگرافی محدودیت و ممنوعیت وجود دارد. بیشتر کشورها تلاش می‌کنند دسترسی افراد زیر سن قانونی به پورنوگرافی هارد کور را محدود کنند و این محدودیت را از طریق سکس شاپ‌ها و کانال‌های تلویزیونی اعمال می‌کنند. برای ورود به مغازه سکس، یک حداقل سنی قرار داده شده و فیلم یا کتاب پورنوگرافی با یک برجسب، مشخص شده است (اسکندر زاده، ۱۳۸۹: ۱۷۸).

1. Soft-core
2. Hard-core

در زمینه درمان با حرام، اختلاف فراوانی در آراء و انظار فقیهان به چشم می خورد. فقیهان در این مسأله به چند دسته کلی تقسیم می شوند:

۱. دسته اول معتقدند با محرّمات عموماً نمی توان به درمان بیماری پرداخت و حتی برخی آشکارا گفته اند که با وجود ضرورت و انحصار درمان هم نمی توان با شرب خمر دفع ضرورت نمود (نجفی، بی تا: ۴۴۴/۳۶).

۲. پاره ای از فقیهان، میان مطلق محرّمات و مسکرات قائل به تفصیل شده اند؛ استفاده از محرّمات در حالت اضطرار جایز است، ولی استفاده از مسکرات برای درمان و حتی در زمان اضطرار مجاز نیست (شیخ طوسی، ۱۴۰۷: ۹۷/۶).

۳. بنابر دیدگاه سوم، تنها در فرضی درمان با محرّمات جایز است که جان بیمار در خطر باشد، اما در فرض فقدان این شرط، درمان با محرّمات جایز نیست، هر چند تحمّل بیماری دشوار باشد (ابن فهد حلی، ۱۴۰۷: ۱۸۶/۴).

۴. دیدگاه چهارم معتقد است استفاده از محرّمات در معالجات پزشکی و درمان بیماری هایی که تحمّل آنها عرفاً دشوار است جایز است (فخرالمحققین، ۱۳۸۷: ۱۵۳/۴)، با این شرط که نسبت به تأثیر دارو در رفع بیماری، ظنّ یا دستکم احتمالی عقلایی وجود داشته باشد و جایگزین حلالی برای آن نباشد (برای اطلاعات بیشتر ر.ک: احمدپور، ۱۳۹۳: ۲۹-۵۴).

۲-۲- دیدگاه مختار در مسأله درمان با محرّمات و ادله آن

کاوش و امعان نظر در مستندات شرعی ما را به این نتیجه رهنمون است که درمان و معالجه با آن چه که شارع حرام کرده است، اساساً جایز نیست، تاجایی که تفصیل میان مسکرات و غیر مسکرات نیز دور از صواب است؛ چراکه روایات بیشماری به وضوح بر این نکته مبتنی اند که «خداوند شفاء را در حرام قرار نداده» و در بعضی از روایات، معصومین (ع) مراجعه کنندگان بیمار خود را از انجام عمل حرام به منظور درمان و شفاء بازداشته اند. بنیان این دسته از روایات، بر گستردگی نسبت به تمامی حرام ها استوار

است. از سوی دیگر، وجود ضرورت و انحصار معالجه به راه حرام، استثنائی بر حکم یاد شده است؛ چراکه دسته دیگری از ادله وجود دارد که از مباح شدن محرّمات به سبب عارض شدن ضرورت حکایت می‌کند؛ بنابراین، چنانچه درمان بیمار به انجام حرامی وابسته باشد، انجام آن، جایز و در بسیاری موارد، لازم خواهد بود. چگونگی شناسایی این ضرورت، به‌زودی بیان می‌شود.

دلیل اول: ممنوعیت درمان با محرّمات

از جمله ادله‌ای که بر غیرمجاز بودن عمل به حرام برای درمان و شفاء، آن هم به طور مطلق دلالت می‌کند، روایات زیر است:

روایت اول: «شخصی از امام صادق (ع) در مورد نبیذ پرسید که در دواء قرار داده می‌شود؛ امام فرمود: «بر هیچ کس شایسته نیست که از حرام، طلب شفا کند» (کلینی، ۱۴۰۷: ۴۱۴/۶).

روایت دوم: «عمر بن اذینه گوید: به امام صادق (ع) نامه نوشتم و در مورد شخصی پرسیدم که به خاطر باد بواسیر، دارویی برایش معرفی شده و او به اندازه یک ظرف کوچک از نبیذ می‌نوشد، قصد تلذذ ندارد و قصدش مداوا است؛ پس امام فرمودند: «نه، حتی یک جرعه هم نه؛ همانا خداوند عزّوجلّ در چیزی از آن چه حرام کرده است دواء و شفاء قرار نداده است» (شیخ طوسی، ۱۴۰۷: ۱۱۳/۹).

روایت سوم: راوی می‌گوید «نزد امام صادق (ع) بودم که شخصی [آمد و] گفت: دچار باد بواسیر شده‌ام و چیزی جز نوشیدن نبیذ در من کارساز نیست؛ امام فرمود: «تو را با چیزی که خدا و رسولش حرام کرده‌اند چه کار؟!» و آن را سه مرتبه تکرار فرمود» (کلینی، ۱۴۰۷: ۴۱۳/۶).

با عنایت به کلیّت و عمومیت تعلیل در کلام امام (ع)، همچون: «لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ أَنْ يَسْتَشْفِيَ بِالْحَرَامِ»، «مَا لَكُمْ وَلِمَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ» و «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يَجْعَلْ فِي شَيْءٍ مِمَّا حَرَّمَ دَوَاءً وَلَا شِفَاءً»، مورد مطمح نظر سؤال کنندگان (نبیذ)، شایستگی مخصّص

بودن را ندارد و موضوع حرمت تداوی، تمامی محرّمات شرعی است؛ یعنی هر آن چه که ارتکابش مبعوض شارع است، نباید در فرایند درمان به کار گرفته شود.

دلیل دوم: قاعده اضطرار

اضطرار به معنای چیزی است که ترک متعلّقش، سبب واقع شدن در محذوری می گردد که عادتاً قابل تحمّل نیست یا تحمّل آن مشقّت دارد (صنقور، ۱۴۲۸: ۲۷۸/۱). فقیهان قاعده ای ثانوی را تحت عنوان «قاعده اضطرار» شناسایی کرده اند که به موجب آن، هر فعل حرامی به واسطه عارض شدن اضطرار بر مکلف، مباح خواهد شد. این قاعده فقهی با عناوین دیگری نیز معرفی شده است: «کلّ حرام مضطرّ الیه فهو حلال» (قاسمی، ۱۳۹۵: ۲۵۰)؛ «الضرورات تبيح المحظورات» (طباطبائی قمی، ۱۳۸۱: ۳۶۲/۵)؛ «الضرورة فی کلّ شیء ألا فی الدماء» (کاشف الغطاء، ۱۴۲۲: ۲۶۶/۱) و «الضرورات تنقذ بقدرها» (بهبهانی، ۱۴۱۹: ۳۷۷/۲). برحسب گفتار فقیهان، تقدّم و پیشی گرفتن قاعده اضطرار بر سایر ادله و احکام اولی، به شکل حکومت است (حسینی روحانی، ۱۴۳۵: ۳۱۹/۱۵)؛ به این ترتیب که موضوع حکم اولی را مضیق و مضطرّ را از آن خارج می کند و در نتیجه، موضوع حکم به فرد مختار اختصاص می یابد.

بررسی دسته ابتدایی ادله که از جایز نبودن درمان با حرام حکایت کرده و دسته دوم که ضرورت را مباح کننده حرام می داند، ما را به این وجه جمع رهنمون است که بکارگیری فعل حرام در فرایند درمان و معالجه جایز نیست، مگر آن که بیمار واقعاً و بی اختیار به مرتبه اضطرار رسیده باشد و چاره بیماری او منحصر به انجام حرامی باشد؛ پس ادعای ضرورت کافی نیست و اضطرار واقعی - با تعریف فقهی آن - شرط است در این صورت، تداوی به حرام جایز و حتی بایسته است. لازم به یادآوری است که در معالجه با حرام، به کمترین درجه ای که برطرف کننده ضرورت است بسنده می شود.

یکی از نیکوترین شیوه هایی که چگونگی حکومت اضطرار بر غیر مجاز بودن درمان با حرام را موجه می سازد آن است که حرمت تداوی با محرّمات به نحو ضرورت

وصفیه لحاظ شده است؛ یعنی خداوند در امر حرام - مقید به وصف حرام بودن - دوا و شفاء قرار نداده است؛ در نتیجه، هرگاه ضرورت پیش آید آن امر دیگر حرام نبوده و به شیء مباح و شفاء تبدیل می گردد (ر.ک: مامقانی، ۱۳۲۳: ۴۹/۱)؛ البته این دیدگاه در توضیح روایاتی که حرمت تداوی را بر نفس موضوعات مترتب کرده است - صرفنظر از این که حرام یا به سبب ضرورت مباح باشد - نارساست؛ جز این که به قرینه تناسب حکم و موضوع، مطلق موضوع مقصود نباشد. به عنوان مثال، چندی از روایات با اشاره به مرتبه تکوین، حکایتگر این معنا هستند که خداوند هرگز اثر تداوی را در نوشیدن شراب ننهاده است: «الْمُضْطَرُّ لَا يَشْرَبُ الْخَمْرَ لَأَنَّهَا لَا تَزِيدُهُ إِلَّا شَرًّا وَ لَأَنَّهُ إِنْ شَرَبَهَا قَتَلَتْهُ فَلَا يَشْرَبُ مِنْهَا قَطْرَةً» (صدوق، ۱۳۸۵: ۴۷۸/۲) و «الْمُضْطَرُّ لَا يَشْرَبُ الْخَمْرَ لَأَنَّهَا تَقْتُلُهُ» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۳۴۷/۲۵).

أ. مستندات قاعده اضطرار

قاعده اضطرار پیش از آن که برآمده از متون شرعی باشد، فحوی و مدلول حکم عقل است؛ عقل عملی - چه از آراء محموده باشد که واقعیّتی و رای ادراک عمومی ندارد و چه اینگونه نباشد - انجام عمل غیر مجاز را برای بیرون رفتن از حالت اضطرار و تنگنا روا می داند. با وجود این، روایاتی که دفع ضرورت با حرام را جایز می دانند، ارشادی به شمار می روند. چه بسا همین ارشادی بودن به حکم عقل، سبب سرزنش های شدید برای فرد خطاکار شده است، تاجایی که در روایات معصومان (ع)، «کافر» و «جاودانه در آتش» معرفی شده است. مستندات قاعده اضطرار عبارتند از:

۱. «جز این نیست که خدا مردار و خون و گوشت خوگ و حیوانی را که [هنگام ذبح] نام غیر خدا بر آن برده شده، بر شما حرام کرده؛ پس کسی که به خوردن آنها مضطر شود، درحالی که خواهان لذّت نباشد و از حدّ لازم تجاوز نکند، گناهی بر او نیست» (بقره: ۱۷۳).

۲. «از آن چه خدا حرام کرده چیزی نیست مگر این که برای کسی که مضطرب شده، حلال کرده است» (شیخ طوسی، ۱۴۰۷: ۱۷۷/۳).
۳. روایت: امام صادق (ع) فرمود: «هر که ناچار به خوردن مردار و خون و گوشت خوک شود و چیزی از آنها نخورد تا بمیرد، کافر است» (صدوق، ۱۴۱۳: ۳۴۵/۳).
۴. پیامبر (ص) فرمود: «هر کس هنگام اضطراب خوردن مردار و خون و گوشت خوک را ترک کند و بمیرد، در آتش جاودانه است» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۹۴/۵۹).

ب: دایره شمول قاعده اضطرار

پذیرش قاعده اضطرار - به عنوان قاعده‌ای که بر احکام اولی پیشی دارد - در گام های پسین با چالش هایی روبروست؛ عمده ترین چالش پیش روی این قاعده، شناسایی مجرا و دایره شمول آن است. اگرچه پاره‌ای از روایات، حدوث اضطرار را مجوز ارتکاب هر فعل حرامی می‌دانند و به استناد آن، فقیهان انجام تمامی محرمات را که مسلمان به انجام آن اضطرار می‌یابد - بجز قتل - مباح می‌دانند (موسوی، ۱۳۹۲: ۱۶۱) ولی گسترش دادن این اباحه به هر نوع اضطراری، جای درنگ و اندیشه است. گویا مقصود از اضطراری که در کلمات معصومان موضوع جواز جملگی حرام ها قرار گرفته، بالاترین درجه اضطرار است که جان فرد در معرض نابودی است و نسبت به سایر مراتب اضطرار ساکت است. بدون شک هر مرتبه اضطرار نمی‌تواند چنین اثری داشته باشد و از اینرو، همچنان جای این پرسش باقی است که مراتب اضطرار، مجوز انجام کدام دسته محرمات هستند؟! به نظر می‌رسد پاسخ به این مسأله در گرو سنجش اهمیت اضطرار و فعل حرام مضطربانه و قیاس میان آن دو است. جریان شالوده تراحم دو سویه در چنین جایگاهی، امری است که از جانب سنت عقلایی نیز تأیید می‌گردد. بر این پایه، هر اضطراری نمی‌تواند شدیدترین حرام ها و فواحش را مباح سازد و اجرای ترازسنجی ضرورت دارد.

دیگر آن که شناسایی اضطراب - بسان سایر موضوعات احکام - بردوش خود مکلف است. هرگاه فردی تشخیص دهد که برای گره‌گشایی از مشکل پیش آمده، چاره‌ای جز انجام حرام ندارد و گرنه تحمل مشکل غیر قابل تحمل یا همراه با مشقت است، عنوان «مضطر» بر او انطباق می‌یابد و در پی آن، احکام وابسته جاری می‌شود. با این حال، اسباب شناخت اضطراب متفاوت است؛ این شناخت گاه از راه اطمینان به گفته متخصّص و گاه از راه تشخیص خود فرد - در فرض آگاهی - به دست می‌آید و تمامی این اسباب، تنها طریقی برای شناخت موضوع هستند. گفتنی است پذیرش گفته متخصّص، منوط به محرز شدن عدالت او نیست، مگر آن که به عنوان بینة شرعی حجت باشد و مکلف از گفته او به اطمینان یا یقین نرسیده باشد.

۲-۳- درمان با افلام خلاعیه

تتبّع در تمامی ادله ارائه شده در این جستار، ما را به این نتیجه می‌رساند که نگاه کردن به تصاویر و افلام خلاعیه (پورنو) جایز نیست؛ چه این که عملی است که با ناخشنودی شارع قرین است و از آنجایی که بکارگیری حرام به منظور مقاصد درمانی مجاز نیست، تماشا کردن فیلم های پورنو نیز برای تداوی بیماری های جنسی حرام خواهد بود و تجویز آن به عنوان راهکاری درمانی در علم نوپدید سکسولوژی مشروعیت ندارد؛ حتی با چشم پوشی از روایاتی که از نهاده شدن شفاء در حرام حکایت می‌کنند، لازم است برای برطرف کردن این دسته از اختلال ها و نابسامانی های جنسی، از دیگر شیوه ها استفاده شود.

با وجود این، قاعده اضطراب می‌تواند بر حکم یادشده که حکم اولی است، حکومت کرده یا آن را تخصیص بزند (صدر، ۱۴۱۸: ۵۴۹/۲؛ مظفر، ۱۴۳۰: ۱۹۰/۱)؛ بر اساس پیشی گرفتن قاعده اضطراب بر آن، در صورتی که فرد بیمار بداند که راه معالجه و درمان او، محدود به تماشای فیلم های پورنو است، یا بینة شرعی بر این مطلب اقامه شود، تداوی با آن در کمترین درجه‌ای که برطرف کننده ضرورت باشد بی ایراد است. در مجموع به

نظر می‌رسد پیشرفت‌های علم پزشکی و مهارت‌های جنسی سبب شده است تا تماشای فیلم‌های خلاعی در اغلب اوقات، صرفاً یکی از روش‌های بهبود بیماری در سکس‌تراپی به شمار رود، نه روش منحصر به فرد و بی‌همتا.

نتیجه‌گیری

۱. با استناد به دریافت «مذاق شریعت» - که برآمده از مجموعه احکام شرعی یا آثاری است که در پی عدم حرمت لازم می‌آید - نگاه کردن به عکس‌ها و فیلم‌های خلاعی (پورنو) جایز نیست و تلقی مشهور فقیهان از آیات و روایات وابسته، پشتیبان این دریافت است. به سبب استناد حکم به مذاق شارع متعال و مترتب شدن مفاسد نوعی، حکم نگاه کردن که مقرون به التذاذ جنسی یا قصد آن باشد و نگاه کردن که بدون شهوت و صرفاً از روی عادت یا اغراض و دواعی دیگر باشد همسان خواهد بود. لازم به ذکر است حجیت این مذاق، برگرفته از حجیت اطمینان عرفی یا یقین خواهد بود.

۲. بسیاری از مشاوران و سکس‌تراپیست‌ها، برای مشکلات و نابلدی‌های جنسی زوجین، مراجعه‌کنندگان را به تماشای فیلم‌های پورنو تشویق می‌کنند تا بتوانند از آن، چگونگی رابطه زناشویی را الگوبرداری کنند و حتی میل جنسی خود را فزونی دهند؛ بدیهی است که این تجویز، ارتباطی با مسأله درمان و حکم ثانوی آن ندارد. بر این اساس، توصیه روانشناسان به تماشا کردن این فیلم‌ها شرعاً جایز نیست و نقشی که در استحکام مهارت‌های زناشویی ایفا می‌کنند، سبب دگرگونی حکم و اباحه آن نمی‌گردد.

۳. در صورتی که فرد بیمار به این تشخیص برسد که راه مداوا و درمان او، محدود به تماشای فیلم‌های پورنو است، یا بینه شرعی - با شهادت دو کارشناس عادل - بر این مطلب اقامه شود، تدای با آن در کمترین درجه‌ای که برطرف‌کننده ضرورت باشد بی‌ایراد است. قاعده اضطرار که از کارآمدترین قواعد ثانوی است و ادله فراوانی از اعتبار

آن حکایت می‌کند بر حرمت نگاه حکومت دارد؛ این قاعده پیش از آن که برآمده از متون شرعی باشد، فحوی و مدلول حکم عقل است.

۴. اگرچه تماشای فیلم‌های خلاعی به دلایل حقوقی و فقهی گفته شده، به عنوان شیوه‌ای درمانی و محدود قابل تجویز است اما برای مبارزه با هرزه نگاری سایبری، لازم است کشورها قوانین هماهنگی در این زمینه وضع کنند تا مرتکبان جرم از خلأ قانونی به نفع خود استفاده نکنند؛ اقداماتی مانند کنترل داده‌های ورودی و خروجی اینترنت، فیلترینگ و بکارگیری پلیس فضای مجازی از اقداماتی هستند که می‌توانند فضای اینترنت را امن نگه دارند.

۵. حذف تبصره ماده ۵۵ قانون مجازات اسلامی سابق در قانون مجازات اسلامی جدید (۱۳۹۲) که خود اماره‌ای بر تغییر نگرش قانونگذار بر عدم مسؤولیت مضطرّ می‌باشد این پیشنهاد را بایسته ساخته است تا تصریح به رافع مسؤولیت مدنی بودن اضطراب در قانون پیش بینی شود. بر این مبنا بهتر است به قانون مسؤولیت مدنی ماده‌ای اضافه شود که تصریح کند: «اضطراب، رافع مسؤولیت مدنی است» یا دستکم تبصره‌ای به ماده ۱۵۲ قانون مجازات اسلامی اضافه شود و به عدم مسؤولیت مدنی مضطرّ اشاره نماید.

منابع

- قرآن کریم.

- ابن فهد حلّی، احمد بن محمد (۱۴۰۷ق)، **المهذب البارع فی شرح المختصر النافع**، ج ۴، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

- ابن قولویه، جعفر بن محمد (۱۳۵۶)، **کامل الزیارات**، تحقیق و تصحیح: عبدالحسین امینی، نجف: دار المرتضویه.

- احمدپور، اکبر (۱۳۹۳)، **درمان با محرّمات**، فصلنامه فقه و اصول، ۹۷، ۲۹-۵۴.

- اردبیلی (مقدس)، احمد بن محمد (بی‌تا)، **زبدۀ البیان فی أحكام القرآن**، تهران: المکتبه المرتضویه.

— اسکندرزاده شانجانی، امیر (۱۳۸۹)، **مسائل قضایی هرزه نگاری در محیط سایبر**، تهران: راه نوین.

— انصاری (شیخ)، مرتضی بن محمدامین (۱۴۱۵ق)، **کتاب النکاح**، قم: المؤتمر العالمی بمناسبه الذکری المئويه الثانيه لميلاد الشيخ الأعظم الانصاری الأمانه العامه.

— انصاری (شیخ)، مرتضی بن محمدامین (۱۴۱۶ق)، **فرائد الأصول**، ج ۱، چ ۵، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

— انصاری، محمدعلی (۱۴۱۵ق)، **الموسوعه الفقهیه المیسره**، ج ۹، قم: مجمع الفكر الاسلامی.

— ایروانی، باقر (۱۳۸۵)، **دروس تمهیدیه فی الفقه الاستدلالی علی المذهب الجعفری**، ج ۲، قم: مؤسسه الفقه.

— باقری اصل، حیدر (۱۴۰۱)، **معیارهای تفکیک اطلاق مقامی و کلامی در تفسیر اراده قانونگذار**، فصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۳۰، ۵۶-۳۳.

— بحرانی، یوسف بن احمد (۱۳۶۳)، **الحدائق الناضره فی احکام العتره الطاهره**، ج ۲۳، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

— بهبهانی، محمدباقر (۱۴۱۹ق)، **الحاشیه علی مدارک الأحکام**، ج ۲، قم: مؤسسه آل البيت (عليهم السلام) لإحياء التراث.

— بهجت (آیه الله)، محمدتقی (۱۳۸۶)، **استفتائات**، ج ۴، قم: دفتر حضرت آیه الله العظمی بهجت.

— پارساپور، محمدباقر (۱۳۸۲)، **اضطرار در حقوق مسئولیت مدنی**، حقوق تطبیقی، ۴۰، ۱۴۱-۱۵۸.

— تبریزی، جواد (۱۳۹۱)، **صراط التجاه**، ج ۵، قم: دار الصدیقه الشهیده (سلام الله علیها).

— تهرانی نجفی، هادی بن محمدامین (۱۳۲۰)، **محبّه العلماء**، ج ۱، تهران: بی نا.

— حائری یزدی، عبدالکریم (۱۴۱۸ق)، **درر الفوائد**، ج ۶، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

— حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، **تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه**، ج ۲۵، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.

— حسینی روحانی، سید محمدصادق (۱۴۳۵ق)، **فقه الصادق**، ج ۱۵، چ ۵، قم: آیین دانش.

— حسینی روحانی، سید محمد (۱۴۱۳ق)، **منتقى الأصول**، ج ۲، تقریرات عبدالصاحب حکیم، قم: دفتر آیت الله سید محمد حسینی روحانی.

— حسینی روحانی، سید محمدصادق (۱۳۸۳)، **استفتائات**، ج ۱، قم: حدیث دل.

- حکیم (آیه الله)، سید محسن (۱۳۷۴)، **مستمسک العروه الوثقی**، ج ۱۴، قم: دار التفسیر.
- حلی (علامه)، حسن بن یوسف (بی تا)، **تذکره الفقهاء**، تهران: المکتبه المرتضویه.
- حلی (محقق)، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق)، **شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام**، ج ۲، قم: اسماعیلیان.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۶)، **أجوبه الإستفتائات (فارسی)**، ج ۶، تهران: مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیه الله العظمی خامنه‌ای، انتشارات انقلاب اسلامی، نشر فقه روز.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۴۲۰ق)، **أجوبه الاستفتائات (عربی)**، ج ۲، بیروت: الدار الإسلامیه.
- خمینی (امام)، سید روح الله (۱۳۹۲)، **استفتائات امام خمینی**، ج ۸، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- خمینی (امام)، سید روح الله (۱۴۱۰ق)، **الرسائل**، ج ۱، قم: اسماعیلیان.
- خوئی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۰ق)، **کتاب الاجتهاد و التقليد**، ج ۱، ج ۳، تقریرات غروی تبریزی، قم: دار الهادی.
- خوئی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۸ق)، **موسوعة الامام الخوئی**، ج ۶، قم: مؤسسه إحياء آثار الامام الخوئی (ره).
- دربندی، آقا بن عابد (بی تا)، **خزائن الأحکام**، ج ۲، قم: بی نا.
- سیوری (فاضل مقداد)، مقداد بن عبدالله سیوری حلی (۱۳۷۳)، **کنز العرفان فی فقه القرآن**، ج ۲، تهران: مرتضوی.
- شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق)، **نهج البلاغه**، تحقیق و تصحیح: صبحی صالح، قم: هجرت.
- صافی گلپایگانی، علی (۱۳۸۵)، **ذخیره العقبی فی شرح العروه الوثقی**، ج ۱، قم: گنج عرفان.
- صدر، محمدباقر (۱۴۱۷ق)، **بحوث فی علم الاصول**، ج ۳، ج ۳، تقریر: هاشمی شاهرودی، قم: مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.
- صدر، محمدباقر (۱۴۱۸ق)، **دروس فی علم الاصول**، ج ۲، ج ۵، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- صدوق (شیخ)، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی (۱۳۷۶)، **الأمالی**، ج ۶، تهران: کتابچی.
- صدوق (شیخ)، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی (۱۳۸۵)، **علل الشرائع**، ج ۲، قم: کتابفروشی داوری.

- صدوق، (شیخ)، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی (۱۴۱۳ق)، **من لایحضره الفقیه**، ج ۳، ج ۲، تحقیق و تصحیح: علی اکبر غفاری، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- صفور، محمد (۱۴۲۸ق)، **المعجم الأصولی**، ج ۱ و ۲، ج ۲، قم: الطیار.
- ضیائی فر، سعید (۱۴۰۱)، **تأثیر احتیاط گرائی بر استنباط فقهی**، فصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۲۸، ۱۹۵-۲۱۸.
- طباطبائی قمی، تقی (۱۳۸۱)، **الدلائل فی شرح منتخب المسائل**، ج ۳ و ۵، قم: محلاتی.
- طوسی (شیخ الطائفه)، محمد بن حسن (۱۳۷۳)، **رجال الطوسی**، ج ۳، تحقیق: قیومی اصفهانی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- طوسی (شیخ الطائفه)، محمد بن حسن (۱۴۰۰ق)، **النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی**، بیروت: دار الکتب العربی.
- طوسی (شیخ الطائفه)، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق)، **تهذیب الاحکام**، ج ۹، ج ۴، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- طوسی (شیخ الطائفه)، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق)، **کتاب الخلاف**، ج ۶، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- فاضل موحدی لنکرانی، محمد (۱۴۲۹ق)، **تفصیل الشریعه**، ج ۲، قم: مرکز فقه الأئمه الأطهار (علیهم السلام).
- فخرالمحققین، محمد بن حسن بن یوسف (۱۳۸۷ق)، **ایضاح الفوائد فی شرح اشکالات القواعد**، ج ۴، قم: اسماعیلیان.
- قاسمی، محمدعلی (۱۳۹۵)، **فقه درمان**، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (ع).
- کاشف الغطاء، محمدحسین (۱۴۲۲ق)، **تحریر المجله**، ج ۱، قم: المجمع العالمی للتقريب بين المذاهب الإسلامیه المعاونیه الثقافیه مرکز التحقیقات و الدراسات العلمیه.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، **الکافی**، ج ۵ و ۶، ج ۴، تحقیق و تصحیح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- گلپایگانی، سید محمد رضا (۱۴۱۳ق)، **ارشاد السائل**، بیروت: دار الصفوه.
- مامقانی، محمدحسن (۱۳۲۳ق)، **غایه الآمال فی شرح المکاسب و البیع**، ج ۱، قم: مجمع الذخائر الاسلامیه.
- محمدی، علی (۱۳۸۷)، **شرح اصول فقه**، ج ۱، ج ۱۰، قم: دار الفکر.
- مظفر (علامه)، محمد رضا (۱۴۳۰ق)، **اصول الفقه**، ج ۱ و ۳، ج ۵، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۸)، احکام خانواده در پرتو فقه اسلامی، ج ۲، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع).
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۷ق)، استفتائات، ج ۳، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع).
- منتظری نجف آبادی، حسینعلی (۱۳۸۴)، استفتائات، ج ۲، تهران: سایه.
- منتظری نجف آبادی، حسینعلی (۱۴۱۵ق)، دراسات فی مکاسب المحرمه، ج ۲، قم: تفکر.
- موسوی، صمدعلی (۱۳۹۲)، القواعد الفقهیه فی کتاب تفصیل الشریعه، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (ع).
- نائینی، محمدحسین (۱۳۷۶)، فوائد الأصول، ج ۳، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- نجاشی، احمد بن علی (۱۳۶۵)، رجال النجاشی، ج ۶، تحقیق: شبیری زنجانی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- نجفی (صاحب جواهر)، محمدحسن (بی تا)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۱۵ و ۳۰ و ۳۶، ج ۷، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- نراقی، ملا احمد بن محمد مهدی (۱۳۷۵)، عوائد الأيام، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- نوری (محدث)، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۴، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.

References

- The Holy Quran.
- Ahmadpour, Akbar (2013), treatment with forbidden things, jurisprudence and principles, 97, 29-54.
- Allameh Heli, Hasan bin Yusuf (Bita), Tazkira al-Foqaha (Al-Ijara al-Nikah), Tehran: Al-Mortazawiyya School.
- Ansari, Muhammad Ali (1415 AH), Al-Masua'a al-Fiqhiyyah al-Mayserah, vol. 9, Qom: Majmam al-Fikr al-Islami.
- Bagheri Asl, Haider (1401), criteria for distinguishing official and verbal application in the interpretation of the will of the legislator, Studies in Fiqh and Islamic Law, 30, 33-56.
- Bahrani, Yusuf bin Ahmad (1363), Al-Hadaiq al-Nazerah fi ahkam al-Etrah al-Tahira, vol. 23, Qom: Jamaat al-Madrasin fi Al-Hawza Al-Alamiya in Qom, Al-Nashar al-Islami Foundation.

- Behbahani, Muhammad Baqir (1419 A.H.), **Al-Hashiya Ala Madarek al-Ahkam**, Vol. 2, Ch. 1, Qom: Al-Al-Bayt (Peace Be Upon Him) Foundation for Revival of Tradition.
- Behjat, Mohammad Taqi (1386), **Isftataat**, Vol. 4, Qom: Office of Hazrat Ayatollah Grand Behjat.
- Darbandi, Agha bin Abed (Bita), **Khazain al-Ahkam**, vol. 2, ch. 1, Qom: Bina.
- Eskanderzadeh Shanjani, Amir (1389), **Legal issues of pornography in the cyber environment**, Chapter 1, Tehran: Rah Novin Publishing.
- Fakhr al-Mohagheghin, Muhammad bin Hasan (1387 AH), **Izaah al-Fawadee fi Sharh al-Eshkalat Al-Qavaed**, vol. 4, Qom: Ismailian.
- Fazil Moqdad, Moqdad bin Abdullah (1373), **Kanz al-Irfan Fi Fiqh al-Qur'an**, Volume 2, Tehran: Mortazavi.
- Fazil Mowhedi Lankarani, Muhammad (1429 AH), **Description of the Shari'ah (Al-Sala'ah)**, Volume 2, Qom: Center for Fiqh of the Imams of the Athar (peace be upon them).
- Ghasemi, Mohammad Ali (2015), **Fiqh Derman**, Qom: Jurisprudence Center of Imams Athar (AS).
- Golpaygani, Mohammad Reza (1413 AH), **Irshad al-Sael**, Beirut: Dar al-Safouh.
- Haeri Yazdi, Abdul Karim (1418 AH), **Dorar al-Fawaed**, Chapter 6, Qom: Al-Nashar al-Islami Institute.
- Hakim, Mohsen (1374), **Mustamsk al-Orwa al-Woghqa**, vol. 14, Qom: Dar al-Tafsir.
- Ibn Fahd Hali, Ahmad bin Muhammad (1407 AH), **al-Muhazab al-Bara fi Sharh al-Mukhtasar al-Nafi**, vol. 4, ch. 1, Qom: Jamaat al-Madrasin fi al-Hawza al-Alamiya in Qom, Mussasa Al-Nashar al-Islami.
- Ibn Qolwieh, Jafar bin Muhammad (1356), **Kamel al-Ziyarat**, with research and correction by Abdul Hossein Amini, Ch. 1, Najaf: Dar al-Mortazwieh.
- Imam Khomeini, Ruhollah (1392), **Imam Khomeini's Esfatataat**, Vol.8, Ch1, Tehran: Institute for Editing and Publishing the Works of Imam Khomeini.
- Imam Khomeini, Ruhollah (1410 A.H.), **Al-Rasael**, Vol. 1, Ch. 1, Qom: Ismailian Press Institute.
- Irwani, Baqir (1385), **Introductory lessons in the jurisprudence of Ali al-Mahhab al-Jaafari**, vol. 2, Qom: Est. al-Fiqh for printing and publishing.
- Kashif al-Ghita, Muhammad Hossein (1422 AH), **Tahrir al-Magalla**, vol. 1, ch. 1, Qom: Al-Majjam Al-Alami for rapprochement between the

Islamic schools of al-Ma'awuniya al-Thaqafiya Center for scientific studies and studies.

- Khamenei, Ali (1420 A.H.), **Answers to Al-Estaftaat (Arabic)**, Vol. 2, Beirut: Al-Dar al-Islamiyyah.

- Khamenei, Ali (2016), **Answers to Questions (Persian)**, Chapter 6, Tehran: Cultural Research Institute of the Islamic Revolution, Office of Preservation and Publication of the Works of Ayatollah Ali Khamenei, Islamic Revolution Publications, Fiqh Rooz Publications.

- Khoei, Seyyed Abul Qasim (1418 AH), **Encyclopedia of Imam Al-Khoei**, Volume 6, Qom: Institute for Revival of the Works of Imam Al-Khoei.

- Khoei, Seyyed Abulqasem (1410 A.H.), **Kitab al-Ijtihad wa Taqlid**, Gharavi Tabrizi's essays, Vol. 1, Ch. 3, Qom: Dar al-Hadi.

- Kolehini, Muhammad Ibn Yaqub (1407 AH), **Al-Kafi**, with research and corrections by Ali Akbar Ghafari and Muhammad Akhundi, vol.5,6, ch4, Tehran: Dar Al-Kitab al-Islamiyyah.

- Makarem Shirazi, Nasser (1388), **Family Laws in the Light of Islamic Jurisprudence**, Vol. 2, Qom: Imam Ali Ibn Abi Talib (a.s.) Publications.

- Makarem Shirazi, Nasser (1427 AH), **Istfataat**, vol. 3, Qom: Madrasah of Imam Ali bin Abi Talib (peace be upon him).

- Mamaqani, Muhammad Hasan (1323 AH), **Ghayat al-Amal fi Sharh al-Makasab wa al-Ba'i**, vol. 1, Qom: Al-Zhakhar al-Islamiya Majmam.

- Mohaghegh Helli, Jafar bin Hasan (1408 AH), **Shar'e al-Islam fi al-halal and haram issues**, vol. 2, Qom: Ismailian.

- Mohammadi, Ali (1387), **Commentary on the principles of jurisprudence**, Vol. 1, Ch. 10, Qom: Dar al-Fikr.

- Montazeri, Hossein Ali (1384), **Esftataat**, vol. 2, Tehran: Sayeh publishing house.

- Montazeri, Hossein Ali (1415 AH), **Derasat fi al-Makaseb al-Muharramah**, vol. 2, Qom: Tafakkor Publications.

- Mousavi, Samad Ali (2012), **Al-Qavaed al-fiqhiyyah in the book of Tafsil al-Shariah**, Ch. 1, Qom: Jurisprudential center of Imams Athar (a.s.).

- Muqaddas Ardebili, Ahmad bin Muhammad (Bita), **Zubdah al-Bayan fi Ahkam al-Qur'an**, Tehran: Al-Mortazawiyya School.

- Muzaffar, Muhammad Reza (1430 AH), **Usul al-Fiqh**, Vol. 1 and 3, Ch. 5, Qom: Al-Nashar al-Islami Institute, affiliated to Jama'ah al-Madrasin Baqm.

- Naeini, Mohammad Hossein (1376), **Fawad al-Usul**, Kazemi Khorasani's lectures, Vol.1, Vol.3, Vol.1, Qom: Qom Theological Seminary Society.
- Najafi (Sahib Javaher), Mohammad Hassan (Bita), **Javaher Al-Kalam**, vol.15,30,36, Ch7, Beirut: Dar Ihya al-Trath al-Arabi.
- Najashi, Ahmed bin Ali (1365), **Rejal al-Najashi**, with the research of Shobeiri Zanjani, Ch6, Qom: Jama'at al-Madrasin fi al-Hawza al-Alamiya in Qom, Al-Nashar al-Islami Institute.
- Naraghi, Ahmed bin Mohammad Mahdi (1375), **Awaed Al-Ayam**, Qom: Islamic Propaganda Office of Qom Seminary, Publishing Center.
- Noori, Hossein bin Muhammad Taqi (1408 AH), **Mustadrak al-Wasael and Mustanbat al-Masael**, with research and correction by Al-Al-Bayt Institute, Vol. 14, Ch. 1, Qom: Al-Al-Bayt Institute, A.H.
- Parsapour, Mohammad Baqir (2002), **Emergency in Civil Liability Law**, Comparative Law, 40, 141-158.
- Rouhani, Mohammad Sadiq (1383), **Istftataat**, Vol. 1, Qom: Hadith Del.
- Rouhani, Mohammad Sadiq (1435 AH), **Fiqh al-Sadiq**, Vol. 15, Ch. 5, Qom: Knowledge.
- Rouhani, Muhammad (1413 A.H.), **Muntagha al-Usul**, the interpretations of Abdul Saheb Hakim, vol. 2, ch. 1, Qom: Ayatollah Seyyed Mohammad Hosseini Rouhani's office.
- Sadouq, Mohammad Bin Ali (1376), **Amali**, Ch6, Tehran: Katabchi.
- Sadouq, Muhammad bin Ali (1385), **Elal al-Sharaye**, Vol. 2, Ch. 1, Qom: Davari Bookshop.
- Sadouq, Muhammad bin Ali (1413 AH), **Man La Yahzoroh al-Faqih**, with research and correction by Ali Akbar Ghafari, Volume 3, Chapter 2, Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Qom Seminary Society of Teachers.
- Sadr, Muhammad Baqir (1417 AH), **Researches in the Science of Religion**, Hashemi Shahroudi's Recitations, Vol. 3, Ch. 3, Qom: Islamic Jurisprudence Encyclopaedia Institute on the Religion of Ahl al-Bayt, peace be upon them.
- Sadr, Muhammad Baqir (1418 AH), **Lessons in Al-Usul**, Volume 2, Chapter 5, Qom: Al-Nashar al-Islami Institute.
- Safi Golpayegani, Ali (1385), **Zakhirah al-Oqba fi Sharh al-Uruwa al-Woghta**, vol.1, Qom: Ganj Irfan.
- Sanqour, Muhammad (1428 AH), **al-Mu'jam al-Usouli**, vol. 1 and 2, ch. 2, Qom: Al-Tayar Manshurat.

- Sharif al-Razi, Muhammad bin Hossein (1414 AH), **Nahj al-Balagheh**, with research and correction by Sobhi Saleh, Ch. 1, Qom: Hijrat.
- Sheikh Ansari, Morteza bin Muhammad Amin (1415 AH), **Kitab al-Nikah**, Qom: The World Conference on the occasion of the remembrance of the second centenary of the birth of Sheikh Al-Azam Al-Ansari, General Secretariat.
- Sheikh Ansari, Morteza bin Muhammad Amin (1416 AH), **Faraed al-Usul**, vol.1, ch5, Qom: Al-Nashar al-Islami Institute of Jama'ah al-Madrasin Baqm.
- Sheikh Hor al-aameli, Muhammad bin Hassan (1409 AH), **Wasal al-Shia**, with research and correction by Al-Al-Bayt Institute, peace be upon him; Volume 25, Chapter 1, Qom: Al-Al-Bayt Institute, peace be upon him.
- Tabatabaei Qomi, Taqi (1381), **Al-Dalayel fi Sharh Montakhab al-Masael**, vol.3 and 5, Qom: Mahalati.
- Tabrizi, Javad (1391), **Serat al-Nejat**, vol. 5, Qom: Dar al-Sadiqah al-Shahida (peace be upon them).
- Tehrani Najafi, Hadi bin Mohammad Amin (1320), **Mohajjat al-Ulama**, Vol. 1, Ch.1, Tehran: Bina.
- Tousi, Muhammad bin Hassan (1373), **Rejal al-Tousi**, with the research of Qayyumi Isfahani, Ch3, Qom: Jama'at al-Madrasin fi al-Hawza al-Alamiya in Qom, Al-Nashar al-Islami Institute.
- Tousi, Muhammad bin Hassan (1400 AH), **Al-Nehaya fi Mojarrad al-Fiqh and al-Fatawi**, Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi.
- Tousi, Muhammad bin Hassan (1407 AH), **Al-Khelaf**, Volume 6, Qom: Jama'at al-Madrasin fi Al-Hawza Al-Alamiya in Qom, Al-Nashar al-Islami Foundation.
- Tousi, Muhammad bin Hassan (1407 AH), **Tahzeeb al-Ahkam**, with Khorsan's research and correction, Vol. 9, Ch. 4, Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiya.
- Ziaifar, Saeed (1401), **The effect of prudence on jurisprudential inference**, Studies of Fiqh and Islamic Law, 28, 195-218.